

قبل از بررسی
تغییرات
سیاست چین
پس از خروج
ایالات متحده
از افغانستان
در ماه اوت
۲۰۲۱، بررسی
عوامل اصلی
مؤثر بر سیاست
چین در قبال
افغانستان خالی
از فایده نیست.
سه عامل
شایسته توجه
هستند: امنیت
و ثبات در سین
کیانگ و منطقه
مرزی غربی
چین؛ جایگاه
افغانستان
در راهبرد
بین‌المللی
فراگیر چین؛ و
سیاست‌های
قدرت‌های
بزرگ از جمله
ایالات متحده

گرفتند. گفت‌وگوهای چین-افغانستان-پاکستان؛ چین-روسیه-پاکستان و چین-روسیه-هند. در اکتبر ۲۰۱۴ چین میزبان چهارمین همایش وزیران فرایند استانبول (که همچنان به عنوان قلب آسیا شناخته می‌شود) در افغانستان با حضور ۴۶ کشور و سازمان بین‌المللی، با شرکت ایالات متحده به عنوان «کشور حامی» [۵، صص ۹۰۱-۹۰۳] بود. سرانجام و بخصوص چین در ژانویه ۲۰۱۶ به گروه هماهنگی چهارجانبه به افغانستان، پاکستان و ایالات متحده پیوست.

عوامل و محاسبات

قبل از بررسی تغییرات سیاست چین پس از خروج ایالات متحده از افغانستان در ماه اوت ۲۰۲۱، بررسی عوامل اصلی مؤثر بر سیاست چین در قبال افغانستان خالی از فایده نیست. سه عامل شایسته توجه هستند: امنیت و ثبات در سین کیانگ و منطقه مرزی غربی چین؛ جایگاه افغانستان در راهبرد بین‌المللی فراگیر چین؛ و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات متحده. دو فاکتور اول که کم و بیش تا سال ۲۰۲۱ ثابت مانده‌اند تا حدی نشانه میزانی از تداوم در سیاست چین است. اما عامل سوم دستخوش تغییرات عمده‌ای شده که تا حد زیادی موجب ایجاد تغییرات جدید در سیاست چین شده است. ارزش اقتصادی افغانستان بویژه با توجه به منابع طبیعی آن را می‌توان عامل چهارم دانست که نسبت به سه عامل اول از اهمیت بسیار کمتری برخوردار است. لذا چندان جزو محرک‌های اصلی سیاست چین محسوب نمی‌شود.

تروریسم

اولین و مهم‌ترین عامل نگرانی چین مسائل امنیتی هستند. چین بیش از هر چیزی بر تهدیدی که تروریسم و جدایی طلبی اویغورها متوجه امنیت و ثبات داخلی استان سین کیانگ و مناطق داخلی کشور می‌کند و نیز نگرانی‌های گسترده تر در مورد امنیت مرزی در منطقه وسیع مرزی غرب متمرکز است. سین کیانگ از نظر مساحت بزرگ‌ترین استان چین است و یک ششم خشکی این کشور را در برمی‌گیرد. این استان با پاکستان، افغانستان و جمهوری‌های آسیای مرکزی، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان هم‌مرز است. هریک از این کشورها می‌توانند به بستری مناسب برای پرورش تروریسم اویغور تبدیل شوند. افغانستان در این میان تهدید خاص‌تری است، زیرا همان‌طور که قبلاً اشاره شد، رژیم طالبان پیش از این تروریست‌های اویغور، از جمله جنبش اسلامی ترکستان شرقی را در خود جای داده و به آنها اجازه داده بود به اردوگاه‌های تروریستی وابسته به القاعده بپیوندند.

مقامات چینی برآورد می‌کنند که صدها شبه‌نظامی اویغور زمانی که طالبان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ کنترل افغانستان را در اختیار داشت، در آنجا آموزش دیدند [۶، صص ۱۱۳]. اکثر آنها پس از تهاجم ایالات متحده مجبور به خروج از افغانستان شدند و به پاکستان گریختند. پس از اینکه پناهگاه‌های امن آنها توسط ارتش پاکستان ناامن شدند، آنها به افغانستان برگشتند و در شمال کشور از جمله کریدور واخان جایی که گمان می‌رفت که رهبر جنبش اسلامی ترکستان شرقی در آنجا فعالیت می‌کنند، حضوری حیاتی پیدا کردند. این یکی از دلایل